

واحدی: دومین رمانم هم عشق ممنوعه دارد / مقایسه مسلمانان غیر مدعی با مدعیان مسلمانی

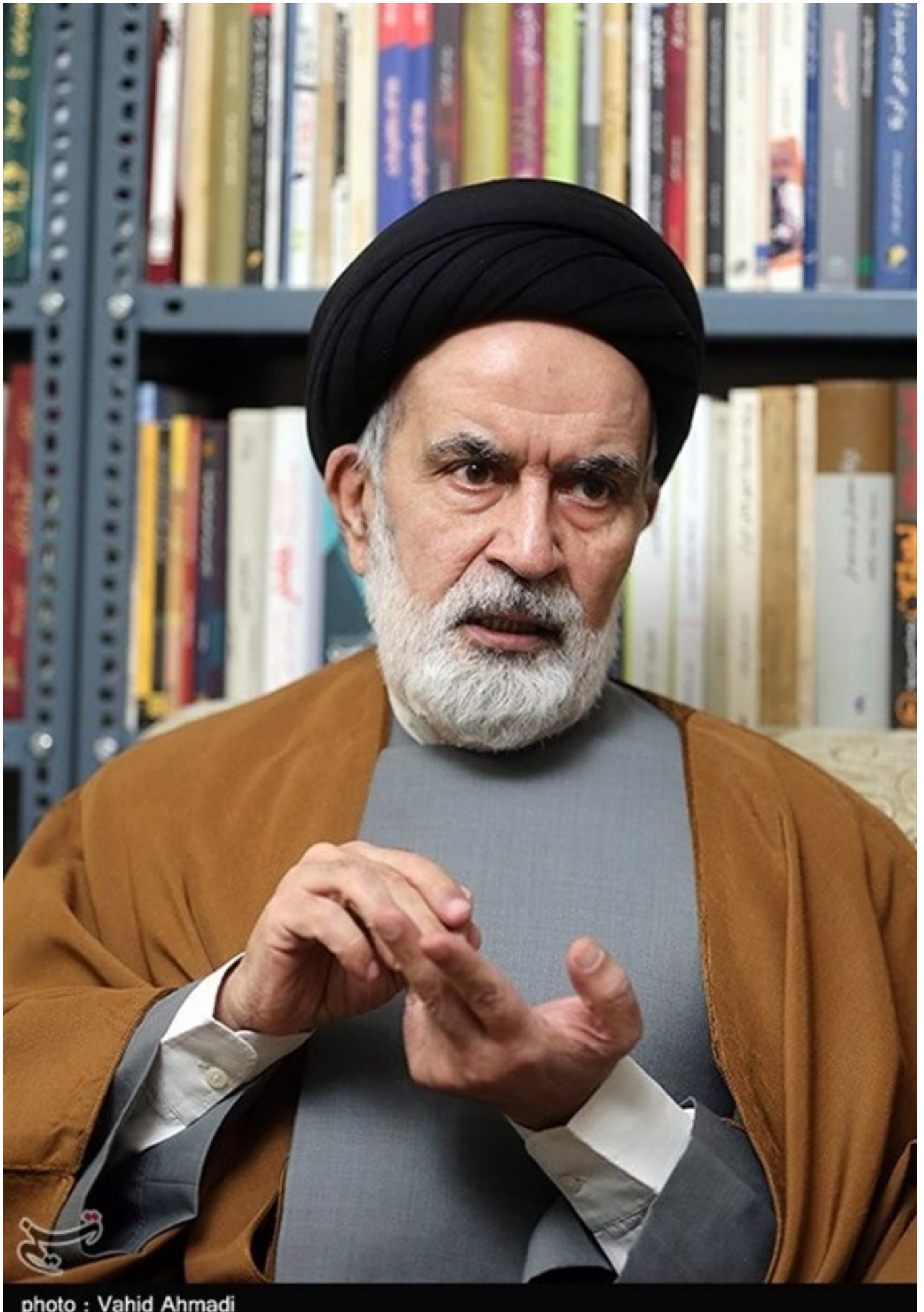


photo : Vahid Ahmadi

بار اصلی داستان رمان جدیدم روی دوش دهه هفتادی‌هاست و قهرمانان اصلی‌اش اینها هستند. اما در واقع آدمهایی در آن حضور دارند که نمایندگان سه چهار نسل هستند و با شرایط خاص فرهنگی و اجتماعی زمان خود بزرگ شده‌اند.

به گزارش خبرنگار دین تسنیم، رمان «آقای سلیمان می‌شود من بخوابم؟!» یکی از رمان‌های موفق دهه نود و تقریباً ۱۰ سال پیش بود که مخاطبان بسیاری در میان قشر جوان پیدا کرد و امروز نسخه کاغذی آن که توسط انتشارات عهد مانا منتشر شده به چاپ بیست و یکم رسیده است و این در کنار آن است که در کتابخانه‌های دیجیتال هم استقبال بسیار خوبی از این رمان شده است. رمان «آقای سلیمان می‌شود من بخوابم؟!» اولین رمان حجت الاسلام سید محمدرضا واحدی بود و او توانست جایگاه خود را با این رمان به عنوان اولین روحانی رمان نویس در ادبیات کشور ما تثبیت کند؛ هر چند قبل از واحدی روحانی‌های دیگری هم وارد عرصه ادبیات شده بودند اما خروجی نوشته‌هایشان داستان بود اما اینکه یک روحانی بخواهد به شکل تکنیکال رمان بنویسد، این اتفاق نیفتاده بود تا زمانی که حجت الاسلام سید محمدرضا واحدی رمان «آقای سلیمان می‌شود من بخوابم؟!» را به بازار نشر فرستاد. اخیراً با خبر شده‌ایم که این روحانی دومین رمان خودش را برای انتشار به دست یک ناشر سپرده است. برای اطلاع از کم و کیف این رمان جدید گفت‌وگوی کوتاهی با حجت الاسلام سید محمدرضا واحدی داشتیم که در ادامه می‌خوانید:

حاج آقا درباره رمان جدیدتان توضیح می‌دهید؟ این رمان هم در حال و هوای «آقای سلیمان می‌شود من بخوابم؟!» است؟

«آقای سلیمان می‌شود من بخوابم؟!» کاملاً در فضای دانشجویی و مربوط به نیمه دوم دهه هشتاد بود و کل داستان در دو سه سال اتفاق می‌افتاد و قهرمانانش هم عمدتاً دهه شصتی بودند. اما این داستان دو سه نسل را به هم پیوند داده است؛ هرچند قهرمانان اصلی‌اش دهه هفتادی‌ها هستند.

یعنی در بستری از ماجراهای تاریخی روز ما روایت می‌شود؟

بله تقریباً. روایت اصلی در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ اتفاق می‌افتد اما عقبه آن به سالهای گذشته برمی‌گردد. بار اصلی داستان روی دوش دهه هفتادی‌هاست و قهرمانان اصلی‌اش اینها هستند. اما در واقع آدمهایی در آن حضور دارند که نمایندگان سه چهار نسل هستند و با شرایط خاص فرهنگی و اجتماعی زمان خود بزرگ شده‌اند و البته اینها در جاهایی از داستان به هم گره می‌خورند.

در مورد موضوع رمان توضیح می‌دهید؟

کلیت رمان بر محور عشق دو جوان دهه هفتادی است که نمی‌توانند و نباید با هم ازدواج کنند. اجازه بدهید بیش از این توضیحی ندهم چون نمی‌خواهم داستان لو برود.

اما در کل مثل رمان اول هم عشق ممنوعه دارد و هم احساس ناکامی و هم بارقه‌هایی از امید در اوج ناامیدی. هم با نگاهی گاه به شدت انتقادی به مسائل اجتماعی پرداخته و گاهی هم مسائل فرهنگی را پررنگ می‌کند. هم روحيات نسل جوان را تا حدودی به تصویر کشیده و هم زمینه‌های تربیتی بزرگ‌ترها را نقد کرده. در متن داستان اشاره به حوادث و وقایع واقعی شده که می‌تواند برای خوانندگان یک جورهایی تاریخ رمان را تداعی کند. مثلاً وقتی در متن رمان اشاره‌ای به حادثه متروپل آبادن می‌بیند خواننده همزمان از تاریخ هم باخبر می‌شود می‌فهمد که رمان در این زمان دارد اتفاق می‌افتد.

سراغ رفتارها و آموزه‌های دینی و بیان آنها در قالب رمان هم رفته‌اید؟

این رمان مقایسه رفتاری خانواده‌های متوسط الحال یا رو به فقر با خانواده‌های برخوردار و همینطور مقایسه رفتار آدم‌های مسلمانان بی‌شیله پيله و غیر مدعی با مدعیان مسلمانی و مغرورانی است که دیگران را به مسلمانی قبول ندارند و به خاطر چهار رکعت نماز یا اعمال دینی از زمین و زمان طلبکارند و رفتارهای ریاکارانه مورد نقد قرار گرفته است.

درباره شیوه روایت کتاب هم توضیح می‌دهید؟

در این رمان هم روایت‌ها از زبان راویان مختلف است. گاهی روایت دانای کل است اما در بعضی فصل‌ها قهرمانان مختلف داستان روایت می‌کنند و گاهی یک موضوع از دید دو نفر نگاه و روایت شده بدون اینکه از نگاه آن یکی خبر داشته باشند. این تجربه‌ای بود که در رمان قبلی هم داشتم و مورد استقبال خوانندگان قرار گرفته بود و حالا انگار این نوع نگارش ناخواسته شیوه من شده است.

سعی کرده‌ام پازل‌ها جوری به هم بخورد که لذت چیدن آنها در کنار هم و کشف معماهای ریز و درشت داستان برای خواننده محفوظ بماند. داستان یک شگفته اصلی دارد که بر اساس نظر بعضی از دوستان که قبل از اقدام به نشر آن را مطالعه کردند جذابیت خاصی دارد و شاید بهت و شگفتی ناشی از آن تا مدت‌ها در ذهن خواننده باقی بماند.

درباره مدت زمانی که برای نوشتن این رمان صرف شد هم توضیح می‌دهید؟

از زمانی که قلم روی کاغذ گذاشتم تا وقتی به نشر فرستادم 20 ماه. البته نه اینکه هر روز درگیر آن باشم. نه در این میان کارهای فرهنگی دیگرم را هم انجام می‌دادم.

انتهای پیام/

انتهای پیام/